

جلسه هجدهم اعتقادات

«امامت - جنب الله، نفس الله و اقسام كلمة الله»

١- امامت - جنب الله، نفس الله و اقسام كلمة الله

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله، لا
سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه
الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى
قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ
آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱

اگر چه می خواستم این هفته بحث ولایت و امامت را تمام
کنم، ولی اصرار بعضی از خوبانی که مطالب را خوب دقت
می کنند. ان شاء الله می روند که زیربنای وجودی شان،
روحی شان را که اعتقادات باشد کاملاً درست کنند؛ بعضی از
واژه هایی که در قرآن و یا در روایات نسبت به ائمه اطهار
علیهم السّلام و چهارده معصوم علیهم السّلام آمده که من

۱ - سوره مائده، آیه ۵۵.

سخت‌م بود آن‌ها را هم در مجلس توضیح بدهم، خواهش کردند که آن‌ها را هر طور ممکن است عرض کنم.

در هفته گذشته، معنی «عَيْنُ اللَّهِ»، «يَدُ اللَّهِ»، «وَجْهُ اللَّهِ» و «أُذُنُ اللَّهِ» و «لِسَانُ اللَّهِ» را تا حدی توضیح دادم جملاتی که باقی ماند: یکی «جَنْبُ اللَّهِ» است، و دیگری «نَفْسُ اللَّهِ» و سومی «کَلِمَةُ اللَّهِ» است. این سه اسم که روی چهارده معصوم پاک علیهم‌السلام در روایات گذاشته شده اگر چه مشکل است توضیحش؛ ولی از خدا کمک می‌گیرم که هم بتوانم توضیح بدهم و هم ان شاء الله شما بفهمید.

۲- معنای جنب الله

اوّل کلمه‌ی «جَنْبُ الله» جنب به معنای کنار، به معنای هم‌جوار و این مطلب و این کلمه در روایات مکرراً بیان شده، «نَحْنُ جَنْبُ الله»^۲ «عَلَيْ جَنْبِ الله»^۳ جنب به معنای آن چیزی است که لیاقت دارد که در کنار خدا و کسی که در کنار خدا قرار گرفت و هم‌نشین پروردگار بود و مَمْسُوس در ذات خدا بود؛ آن کسی است که تمام صفات الهی را به قدر ظرفیتش داشته باشد.

۲ - غایة المرام، مکیال، ج ۲، ص ۱۰.

۳ - کشف الیقین، ص ۲۴.

درست است که «مَا لِثَرَابٍ وَ رَبِّ الْأَزْبَابِ»، خدا کجا و مخلوقش کجا؟! اما پروردگار متعال برای آنکه این فاصله عجیب و عمیق بین مخلوق و خالق برطرف شود، برای خودش یک جَنبِی قرار داده، کناری قرار داده، واسطه‌ای قرار داده که افراد متدینی که می‌خواهند به سوی خدا حرکت کنند، از این راه حرکت کنند یعنی راه دیگری نروند.

شیطان هم جنبی دارد، رفیقی دارد، هم‌نشینی دارد و خدای تعالی هم هم‌نشینی دارد. یعنی همان طوری که اگر در یک مجلسی قرار گرفتید، یک دفعه چشمتان به یک دوست صمیمیتان می‌افتد در مجلس جا نیست اما وقتی او را دیدید

اشاره می‌کنید بیا پهلوی من بنشین، تو با من رفیقی، تو با من
هماهنگی، تو با من هم‌صفت و همراهی، کنار خودتان
می‌نشانیدش؛ هر کس ببیند این تصوّر در وجودش قطعی
است که این شخص وارد از دوستان بسیار صمیمی این
شخص است، چرا؟ به خاطر اینکه پهلوی خودش نشاند،
چرا؟ به خاطر اینکه او را مُقَرَّب خودش قرار داد. در حقیقت
مقرب‌ترین، مقرب که می‌گوییم «وَقُرْبَهُ إِلَى اللَّهِ» که می‌گوییم؛
یعنی در صفات به پروردگار نزدیک بودن و الاّ خدای تعالی که
مکانی ندارد که پهلو داشته باشد، یا جایی باشد که به او
نزدیک انسان بشود، از نظر مکانی «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ

الْوَرِيدُ»^۴ از رگ گردن خدا به همه حتّی به دشمنان دین نزدیک‌تر است. پس این قرب، این هم‌جواری، این جنب و پهلوی او قرار گرفتن فقط و فقط در بُعد معنوی است؛ یعنی صفات الهی را این چهارده معصوم آنچنان در وجودشان ظاهر و بارز است که آن‌ها کنار خدا هستند، آن‌ها با خدا هستند که در روایات دارد؛ «عَلَى مَعَ الْحَقِّ»^۵ حق مطلق خدا است و علی با حق است و حق با علی است، حق مطلق؛ یعنی راستی و صداقت مطلق، واقعیت مطلق؛ یعنی آن کسی که محال است حادثه‌ای بر او وارد شود، محال است از نظر

۴ - سوره ق، آیه ۱۶.

۵ - بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۳۱.

عقلی که نباشد. اما شخصی که به اصطلاح ما مخلوق است و خلق شده همه حوادث ممکن است بر او وارد شود. مخلوق؛ یعنی مرکز هجوم حوادث، مرکز هجوم نابودی‌ها، در میان مخلوقات خدا چه حیوانات، چه انسان‌ها، چه اجنه و چه ملائکه، چهارده نفرند که این‌ها چون به خدا متّصل هستند، چون «جَنبُ الله» هستند به هیچ حادثه‌ای و هیچ مشکلی و هیچ فنایی برخورد نمی‌کنند.

حادثه‌ای دنیایی این‌ها حادثه نیست نه برای شما و نه برای آن‌ها، کشته شدن و از بین رفتن ان شاء الله از هفته آینده درباره‌ی مرگ و عالم برزخ که سخن گفتم آن وقت می‌فهمید

که مُردن و زنده بودن و مریض شدن و بیچاره شدن در دنیا این‌ها اصلاً قابل ذکر برای یک بشر نیست، برای ما افراد ضعیف، افرادی که تمام حواسمان متوجّه دنیایمان هست، نه به خدا فکر می‌کنیم، نه به قیامت فکر می‌کنیم، نه به بهشت و جهنّم فکر می‌کنیم، این‌ها مسئله است و الاّ برای ائمه اطهار علیهم السّلام این‌ها به هیچ وجه مسئله نیست. اگر مثلاً فرض کنید شما مرکبی داشته باشید، مرکب شما که مثلاً فرض کنید می‌خواهید صد سال در دنیا زندگی کنید یک روز به شما یک مرکبی دادند این مرکب حالا شل باشد، کور باشد، هر حادثه‌ای بر او وارد شود برای شما اهمیّت ندارد، بلکه از

مرکب هم یک خرده‌ای نزدیک‌تر لباس شما، لباستان اگر گوشه آن قبلاً کثیف شد به جایی گیر کرد، پاره شد و یا اساساً در جایی گذاشته بودید شما صدها دست لباس دارید در جایی گذاشته بودید بنزین ریختند و آتش دادند شاید ده روز بعدش فراموش کنید، برایتان اهمیّت ندارد، این بدن در دنیا همین طور است؛ برای کسی که می‌داند که از کجا شروع کرده و به کجا ختم می‌شود یا بگویم اصلاً ختم نمی‌شود، یک همچنین فردی؛ صدسال در دنیا بر فرض در تمام این صد سال مبتلا به سرطان باشد مسئله‌ای نیست. چند صدسال بعدش را فراموش می‌کند، یادش می‌رود، تا چه برسد به اینکه

یک ساعت در جبهه به او مثلاً خُمپاره بخورد و قطعه قطعه شود، بدن است، لباس است که ان شاء الله این مسئله خیلی اهمیت دارد. امیدوارم از هفته‌های آینده خوب دقت کنید و این معنا را بفهمید که تمام سعادتتان به همین معنا است و شناختن این معنا است. بگذریم.

ائمہ اطہار علیہم السلام هیچ حادثه‌ای برایشان پیش نیامد و نخواهد آمد و هیچ چیز آن‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؛ یک روز ایمانشان قوی باشد! یک روز ایمانشان ضعیف باشد! یک روز دچار افسردگی باشند از نظر روحی، یک روز مثلاً اعتقاداتشان کامل و یک روز ناقص، ابد! آن‌ها مَمسوس،

آن‌ها جنب‌الله‌اند، آن‌ها مَمسوس در ذات خدا هستند، فقط
فرقشان همین است که آن‌ها مخلوقند و خدا خالق، خدا هر
چه برایش امکان داشته که در ممکن قدرت‌نمایی کند در
روح مقدّس خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام
قدرت‌نمایی کرده که در مقدمه اذن دخول بعضی از حرم‌های
مطهره هست که «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي» خدا را شکر می‌کنیم، حمد
می‌کنیم که برای ما ائمه‌ای قرار داد- خوب دقت کنید-
ائمه‌ای قرار داد که اگر بنا بود خودش به طور محال در مکانی
مجسم بشود این‌ها می‌شدند، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ عَلَيْنَا

بِحُكَامٍ يُقُومَانِ مَقَامَهُ لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ»^۶ بنابراین،

نمی‌دانم توانستم معنی «جَنبُ اللَّهِ» را عرض کنم یا نه.

معنی «جَنبُ اللَّهِ» این است کنار خدا، دارای همه‌ی امتیازاتی

که پروردگار دارد جز ازلیّت و جز خالقیت مطلق و جز علم

مطلق که آنچه خاندان عصمت علیهم‌السلام دارند معلومات

و یاد گرفته‌هایی است از پروردگار.

۶ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۵.

۳- معنای نفس الله

و اما معنای «نفس الله»؛ نفس در لغت به معنی خود است - خوب دقت کنید - می گویند: فلانی خودش آمد، نفسش آمد، به شما گفته اند تزکیه نفس کنید، یعنی خودتان را پاک کنید، خود، خودیت. در بعضی از روایات و آیات قرآن این جمله به ائمه اطهار علیهم السلام اطلاق شده، در قرآن آمده؛ «وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ»^۷ خدا شما را از نفسش می ترساند. در قرآن مجید وقتی که نصاری نجران با رسول اکرم صلی الله علیه وآله بنا شد مباحله کنند. خدای تعالی به

۷ - سوره آل عمران، آیه ۲۸.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «قُلْ» بگو: «تَعَالَوْا نَدْعُ»
بگو بیاورید در این محفل «أَبْنَاءَنَا وَ أُنْبَاءَكُمْ» ما فرزندانمان را
بیاوریم، شما هم فرزندانتان را بیاورید «أَبْنَاءَنَا وَ أُنْبَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا
وَ نِسَاءَكُمْ» زن هایمان را ما می آوریم، شما هم زن هایتان را
بیاورید، «وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» درباره این آیه خیلی حرف
است چرا گفته است «أَبْنَاءَنَا»؟ چرا فرموده است «نِسَاءَنَا» که
فقط فاطمه زهرا سلام الله علیها را آورد؟ خیلی حرف است که
این ها بماند. آن جمله ای که می خواهم استفاده کنم این
است که فرمود: «وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»^۸ قطعاً و یقیناً طبق

۸ - سوره آل عمران، آیه ۶۱.

روایات سنّی و شیعه منظور از کلمه‌ی «أَنْفُسَنَا» علی ابن ابیطالب علیه‌السّلام است خودمان را، چرا پیغمبر اینجا فرمود: خودمان را بیاوریم، دعوت کنیم؟ آخر انسان خودش را که به جایی که مال خودش است که دعوت نمی‌کند! چرا فرمود خودمان را؟ علی را خودش تصوّر کرد؟ آیا علی ابن ابیطالب علیه‌السّلام از نظر شکل و قیافه مثلاً این‌ها دو برادر دوقلو بودند، شبیه به هم هر کدامشان رفتند مانعی نداشته باشد؟ نه از چه جهت پیغمبر فرمود «وَأَنْفُسَنَا»؟ یک مقدار بسیار مختصر اگر فکر کنید به این نتیجه می‌رسید که چون پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هر چه داشت از علم، تقوا و

ایمان و عصمت علی ابن ابیطالب علیه السلام هم داشت، چیزی کم نداشت جز اینکه نام این علی است و نام او محمد صلی الله علیه وآله فرق دیگری نبود. شما اگر فرق دیگری که کلمه «أَنْفُسَنَا» را به آن اطلاق کرد پیدا کردید ابداء. خدای تعالی چرا این جمله را برای علی ابن ابیطالب علیه السلام یا سایر ائمه فرموده؟ چون خدا با مخلوقش هیچ تناسبی ندارد، من الآن برایتان توضیح می دهم. خدای تعالی چند صفت و چند موضوع دارد که عقل می گوید: دومی ندارد. یکی ازلیتش، یکی مجرد بودنش و صفات ذاتش به هر حال که نمی شود بگوییم دوتا موجود در عالم وجود دارد که

یکی او است و یکی هم خدا است، نه، عقل ما می‌گوید. پس به اصطلاح اهل علم در درس‌های علمی‌مان گفته‌ایم و شنیده‌ایم از این صفات علی ابن ابیطالب علیه‌السلام وقتی که می‌گویند: «أَنْفُسَنَا» منصرف است، مثلاً اگر گفتند پیغمبر نفس علی است و علی نفس پیغمبر، شما می‌دانید که هر دوی‌شان از مثلاً فرض کنید از فاطمه بنت اسد متولد نشده‌اند و هر دوی‌شان از آمنه متولد نشده‌اند، از این منصرف است، از اینکه این‌ها هر دوی‌شان در یک سن هم باشند باز ما چون می‌دانیم آن‌ها سن‌هایشان با هم فرق می‌کند از این هم منصرف است، معنای انصراف یعنی این؛

چیزی که باقی می ماند این است که هر چه از صفات و خصوصیات پیغمبر دارد علی ابن ابیطالب علیه السلام هم دارد، همین طور هر چه از صفات و خصوصیات که می تواند یک مُمكن از خدای تعالی داشته باشد علی ابن ابیطالب علیه السلام دارد، ازلی نیست، ابدی نیست، خالق نیست و علم مطلق و مجرد نیست امّا بقیّه هست، این مطلبی است که در ماه رجب که چهار ماه دیگر ان شاء الله به سراغتان می آید در دعای رجبیه می خوانید «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ»^۹ جدایی نیست بین خدا و بین ائمه

۹ - بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۹۳.

اطهار علیهم السّلام. «وَلَاتِ امْرَءًا»، وَلَاتِ مَطْلُقِ الْهَى، آن
اولیایی که از طرف پروردگار که چند هفته قبل تذکر دادم
ولایت خاص الخاص دارند بین آنها و تو ای خدا فرقی
نیست، جز اینکه آنها مخلوق و بنده تو هم هستند و الا در
صفت رحمانیت، رحیمیت و کل صفاتی که از خدا به
مخلوقش اظهار می شود اینها دارا هستند. این معنی «نَفْسُ
اللّهِ» است، «وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ»^{۱۰} در زیارت امیرالمؤمنین

۱۰ - سوره آل عمران، آیه ۲۸.

عرض می‌کنیم: «السَّلامَ عَلَیْکَ یا نَفْسُ اللَّهِ»^{۱۱} ای نفس خدا!
این هم معنای «نَفْسُ اللَّهِ».

۴- معنای کلمه الله و اقسام آن

و معنی «کَلِمَةُ اللَّهِ»، «کَلِمَةُ اللَّهِ» البته دربارهی حضرت عیسی
هم این گفته شده، «کَلِمَةُ اللَّهِ» طبق همان صفاتی که در هفته
گذشته عرض کردم به خاص و خاص الخاص و عام تقسیم
می‌شود: «کَلِمَةُ اللَّهِ العام»، «کَلِمَةُ اللَّهِ الخاص»، «کَلِمَةُ اللَّهِ
الخاص الخاص».

۱۱ - مکیال، ج ۲، ص ۲۹۶.

اول معنی کلمه را عرض کنم، چون وقتی به ما می‌گویند کلمه
یعنی حرفی که ما زدیم این را در ذهنمان می‌آید ولی یک
قدری وسیع‌تر از این است. کلمه چیزی است که آنچه در
باطن انسان است به وسیله او ظاهر می‌شود، الآن من امروز
برای شما حرف می‌زنم، هر چه که در باطن دارم، هر چه که
می‌فهمم برای شما با سختم عرض می‌کنم، اظهار علم به هر
وسیله‌ای که انجام شد آن می‌شود کلمه آن شخص.

۵- کلمه الله العام

خدای تعالی بشر را خلق کرده، موجودات مختلف را خلق کرده، همه‌ی این‌ها «کَلِمَةُ اللَّهِ» هستند، منتها عام، همه کلمه‌الله‌ایم، یعنی اظهار قدرت پروردگار؛ اظهار خلقت پروردگار، قرآن را که «کَلِمَةُ اللَّهِ» می‌گوییم، کلام خدا می‌گوییم مال این است که هر چه خدا از علم می‌خواسته در اختیار بشر بگذارد در قرآن گذاشته این شده «کَلِمَةُ اللَّهِ» و خلاصه معنی کلمه اظهار آنچه در باطن است، حالا به وسیله زبان باشد، به وسیله اشاره باشد، به وسیله ایجاد یک چیزی باشد، شما وارد یک اتاقی می‌شوید می‌بینید ده تا مجسمه بسیار

زیبا اینجا گذاشته شده می‌فهمید صاحب‌خانه با این
علمش یک چیزی به شما گفته و آن اینکه من مجسمه سازم،
در یک عکاسی وارد می‌شوید می‌بینید عکس‌های زیادی
آنجا هست معلوم می‌شود صاحب این مغازه عکاس است و
همین طور خدای تعالی ماها را خلق کرده با خلقش سخن
گفته کلمه‌ای فرموده؛ یعنی من این قدرت را دارم، من این
خالقیت را دارم، من رازقم که دارم به همه روزی می‌دهم، پس
بنابراین، معنی کلمه را فهمیدید حالا هر چه بشر خدای
تعالی که سهل است، اگر هر چه خلق کرده همه به یک معنا
اسمش «کَلِمَةُ اللَّهِ» اند، این معنای «کَلِمَةُ اللَّهِ عام»

۶- کلمة الله الخاص

«کَلِمَةُ اللَّهِ خاص» چه هست؟ آخر «کَلِمَةُ اللَّهِ عام» حتّی حیوانات را هم شامل می‌شود، «کَلِمَةُ اللَّهِ العام» حتّی حیوانات را هم شامل می‌شود. اگر یک فردی هم روحش را درست کرد، صفات حمیده پروردگار را در خودش به وجود آورد، خلیفه الله شد در حد خودش و اخلاق انسانی پیدا کرد که همان اخلاق الهی است که «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»^{۱۲} اگر این طوری شد، که اکثراً اولیاء خدا این طورند، این‌ها «کَلِمَةُ اللَّهِ

۱۲ - بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹.

خاص» هستند یعنی یک خصوصیتی در این هست که بهتر خدا را نشان می‌دهد سخن خدا را بهتر معرفی می‌کنند. شما اگر وارد مثلاً یک اتاقی شدید دیدید که یک مُشت مجسمه‌های گلی بی‌ارزش اینجا هست شما پی به هنر مجسمه‌ساز نمی‌برید، یا لااقل می‌گویید: این همین است. اما اگر یک مجسمه بسیار زیبا، بسیار حسّاس دیدید درست کرده، بهتر نشان می‌دهد هنر آن مجسمه‌ساز را، اولیاء خدا بهتر خدا را معرفی می‌کنند، اخلاق‌شان، کردارشان، رفتارشان همه چیزشان روی حساب، در صراط مستقیم، دقیقاً طبق آنچه خدا خواسته این را می‌گویند: «كَلِمَةُ اللَّهِ

خاص» حضرت عیسی از این قبیل بود. «و کَلِمَتُهُ»^{۱۳} که خدا در قرآن می گوید روی این اساس می گوید. «کَلِمَةُ اللَّهِ خاص» یک کلمه ای است که تمام مردم وقتی نگاهش می کنند، حرف هایش را گوش می دهند، مطالبش را می شنوند، می گویند: این ارتباط با خدا دارد. حتماً خدا هست، خدای تعالی در قرآن می فرماید: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^{۱۴} این علم کتاب را دارد و در یک جا درباره ی آصف بن برخیا، آصف بن برخیا کلمه الله خاص است. وقتی حضرت سلیمان گفت: تخت بلقیس را کیست

۱۳ - سوره نساء، آیه ۱۷۱.

۱۴ - سوره رعد، آیه ۴۳.

برای من بیاورد؟ گفت: «أَنَا آتِيكَ»^{۱۵} من برای تو می‌آورم
چشمت به هم نخورد، چشم به هم خوردن خیلی سریع است
و آورد. این «كَلِمَةُ اللَّهِ خَاصٌّ» است؛ یعنی در مُمکنات
تصرّف می‌کند، می‌تواند با خدا آنچنان پیمان بسته باشد که
از قدرت پروردگار یک چنین استفاده‌ای بکند که از خدا
بخواهد که خدایا! این تخت بلقیس را تو می‌توانی بیاوری من
که زورم نمی‌رسد! یک ارتباطِ خیلی فوری. تعبیراتی در
کلمات افراد هست که این‌ها اسم اعظم دارند،

۱۵ - سوره نمل، آیه ۴۰.

۷- معنای اسم اعظم

من یک جمله‌ای درباره‌ی اسم اعظم برایتان عرض کنم، نمی‌دانم در جاهای ممنوعی که یک عده خاصی حق دارند بروند رفتید یا نه؟ این‌ها یک اسمی دارند، یک رمزی دارند، رمزش ممکن است هیچ معنا هم نداشته باشد، هیچ مناسبتی هم نداشته باشد ولی آن رمز را که می‌گویند کلمه رمز شب مثلاً وقتی آن کلمه را آن شخصی که می‌خواهد وارد منطقه ممنوعه بشود گفت، می‌گویند: بفرمایید! بفرمایید! اسم اعظم پروردگار، همه اسم‌های خدا اعظم است همه‌اش، منتها بعضی‌هایش به درد بعضی جاها می‌خورد نه اینکه فکر

کنید، باز آن مثلاً «الف» و «لام» و «ه» این‌ها مؤثر است
بعضی‌ها خیال می‌کنند این حروف مؤثر است، بسیار حرف
بی‌خودی است. اگر بگویند حرف، حروف مستقلاً مؤثر است
شریک برای خدای تعالی تعیین کرده‌اند و پیدا کرده‌اند، نه!
آن کلمه را می‌گویند، ملائکه می‌آیند کمکش، می‌برندش و او
را برمی‌گردانند، منتها باید اوّل ولی خدا شد، بعد امانت‌دار
شد، امانت‌دار. تو را می‌برند در انبار مهمّات، اگر یک چند تا
از آن مثلاً هفت تیرها برداری زیر لباس قايم کنی می‌گیرند و
کتکت هم می‌زنند، علاوه بر این خدای تعالی می‌داند که این

آدم مُتقلبی است، اصلاً به او نه کلمه رمز می‌دهد نه ولیّی از اولیاءش قرارش می‌دهد.

گاهی کلمه اسم اعظم «علی» است، بعضی جاها کار می‌کند، اسم اعظم «حسین» است، البته خدای تعالی حتّی در اسم اعظم حرف بی‌ربط بی‌ارزشی را قرار نداده، اسماء خودش و اسماء اولیائش را قرار داده، امّا آصف بن برخیا مثلاً حالا من نمی‌گویم این جمله را گفت می‌گوید: «یا علی» تخت حاضر می‌شود، یا علی گفتن هم لازم نیست همه حروفش را بگوید، همین قدر بگوید: «یا» تخت حاضر است یک چشم به هم زدن این اولیاء خدا اسم اعظم را بلدند، البتّه نه اینکه

همه‌ی اسم اعظم همه اختیارات در اختیار این‌ها باشد هر
ولی‌خدایی را پیدا کردید نه این طوری نیست، برای ضرورت
والّا آصف بن برخیا با اینقدرتی که داشت یک مغازه حمل
اثاثیه این طوری چه می‌گویند، این طوری باز می‌کرد خیلی
درآمد داشت، خیلی هم مشکلات مردم رفع می‌شد، نه! یک
دفعه به او گفتند این کار را بکن و کرد، یا آنقدر نزدیک بود به
خدا، که خدای تعالی به او اجازه داد برای اینکه در قرآن
بیاید، برای اینکه بشر بداند به کجا ممکن است برسد، برای
اینکه مردم را درس بدهد، این کار را کرد والّا همیشه این کاره
نبود؛ یعنی اگر خدا می‌خواست همیشه بود، ببینید و در قرآن

خوب دقت کنید در این آیاتی که مربوط به حضرت عیسی است می‌گوید: «وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَ أُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ»^{۱۶} همه جا می‌گوید: «بِإِذْنِ اللَّهِ» یا «بِإِذْنِي»^{۱۷} اذن خدا، اجازه خدا، اراده خدا، حضرت عیسی اگر از من بپرسید بالخصوصه قدرت حتی یک مورچه را نداشت، اما در ارتباط با خدا هر چه خدا لازم بود قدرت در اختیارش می‌گذاشت. در اختیار ما نمی‌گذارد چرا در اختیار ما نمی‌گذارد؟ خب این سؤالی است، چرا در اختیار حضرت عیسی و علی ابن ابیطالب علیه‌السلام گذاشته است؟ ما خودمان خودمان را

۱۶ - سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۱۷ - سوره مائده، آیه ۱۱۰.

بهتر می‌شناسیم، الآن شب یک دعا کنیم فوراً مستجاب بشود
ببینید با این چقدر دکان باز می‌کنیم، چقدر با آن فخر بر
دیگران می‌فروشیم، چه می‌کنیم؟!

۸- عدم نقل مکاشفات

دوستان هر کس به شما گفت که آقا فرموده است: تو باید این
کار را بکنی. اعتناء نکنید؛ آخر یک چیزی که من همیشه از
آن پرهیز می‌کنم و شماها بعضی‌هایتان متأسفانه مبتلا به
این‌ها هستید همین ارتباطات دروغی یا بعضی‌هایش
شیطانی یا بعضی‌هایش بر فرض راست، می‌آید برای مردم

می‌گویید، نکنید این کارها را هیچ، انسانیت انسان ارزش دارد.

من اگر بنا بود مکاشفاتی را نقل کنم خیلی از این‌ها نقل می‌کردم، مکاشفاتی که ارزش دارد مکاشفات علمی است، بنشین بین علی ابن ابیطالب علیه‌السلام چقدر بزرگ است، این را کشف کن، این مکاشفه برای اهمیت دارد حالا مثلاً نشستی داری می‌گویی: «السلام علیک یا علی بن ابیطالب» یک دفعه می‌بینی در حرم جلویت باز شد، وارد حرم شدی، خب چه می‌شود؟! تو به کجا رسیدی؟! خب در بیداری هم همین کار می‌شود، نگویید: این طور چیز به این مهمی! بله

من شماها را می‌خواهم ان شاءالله خیلی از این بالاترها باشید
یعنی صددرصد در اختیار خدا باشید، خدای تعالی می‌گوید
که زیر دست یک بوزینه که بدتر از بوزینه است خودتان قرار
بدهید، ریسمان به گردنتان بیاندازند، بکشندتان، ببرند شما را
در مسجد، بگویند: چشم. بگویند: در خیبر را بکن، بالا نگه
دار لشکر عبور کنند، بگو: چشم. هیچ کدامشان برایت فرقی
نکند، نه آن غصّه‌ات بدهد، نه این افتخاری برایت باشد،
می‌توانید برسید به اینجا؟ می‌گویند: این کار علی ابن
ابیطالب علیه‌السلام بود! اگر تنها کار علی بود، بیان
نمی‌کردند، یک معلّم در کلاس اگر برداشت روی تخته سیاه

یک چیزی نوشت، برای خودش ننوشته برای تو نوشته، هر دعایی که در دعا‌های صحیفه سجّادیه می‌بینید برای شما است و الاّ نصف شب یکی پا می‌شود من و شما پا می‌شویم با خدا مناجات می‌کنیم فردا بر نمی‌داریم بنویسیم بدهیم دست مردم، این‌ها برای ما است، آن ارتباط خاص الخاصی که آن‌ها با خدا دارند نه برای ما قابل فهم است، نه هم برای ما می‌گویند، نه هم لازم است که ما بدانیم. دقّت کردید.

پس اولیاء خدا آن‌هایی که خاصند مثل آصف بن برخیا، مثل حضرت عیسی، مثل انبیاء بزرگ، مثل صالحین، مثل

صدیقین، مثل شهداء بعد از این عالم این‌ها «کَلِمَةُ اللَّهِ خاص» هستند.

۹- کَلِمَةُ اللَّهِ الخاص الخاص

اَمَّا «کَلِمَةُ اللَّهِ خاص الخاص» خاص الخاص که باید ما ائمه اطهار علیهم السّلام را به این عنوان بشناسیم، باید بشناسیم، هر چه خدا، هر چه خدا، ببینید من با این تعریف که عرض می‌کنم همین طور یاد بگیرید که مبتلا به شرک و انحراف نشوید. ببینید به یک نقّاش یک تابلو می‌دهند یک متر در یک متر است، می‌گویند: روی این نقاشی کن، این تابلو

محدود است که بیشتر از این نقاشی نکرده، این تو هستی که نمی‌توانی بیشتر از این بفهمی. خدای تعالی بی‌نهایت در علم و قدرت است. اصلاً قابل فهم برای ما نیست علم و قدرت پروردگار، اما در ممکن، ممکن را یک تابلو تصوّر کنید، در ممکن آن حدّی که امکان داشته خدا علم قرار بدهد، امکان داشته قدرت قرار بدهد، امکان داشته که صفاتش را در آنها قرار بدهد در این چهارده معصوم علیهم‌السلام قرار داده، باز فردا بعضی‌ها تلفن به من می‌کنند تعجب می‌کنم من اینقدر همه جان می‌کنم، زحمت می‌کشم، توضیح می‌دهم، باز بعضی‌ها سؤال می‌کنند که حضرت جواد

علیه السلام سنش کم بود، علمش کمتر بود، حضرت
امیرالمؤمنین سنش بیشتر بود پس علمش بیشتر بود، من
وقتی این سؤالات را گوش می‌دهم می‌گویم: «یا حسرتا!» من
چه دارم می‌گویم برای من و شما سن نباید مطرح باشد،
ان شاء الله برایتان شرح می‌دهم. سن یعنی چه؟ آنکه سنش
زیاد است اگر خوب از امتحان بیرون آمده باشد خوش
به حالش، زودتر امتحانش را داده، آن کسی هم سنش کمتر
است اگر می‌خواهد امتحان بدهد ان شاء الله خدا توفیقش
بدهد همین!

آنکه سنش بیشتر است ایمانش بیشتر است نه این طور نیست، خیلی افراد پیرمرد بی‌ایمان‌ترین هستند و خیلی جوان‌ها هستند با ایمان‌ترین‌اند. اصلاً سن مطرح نیست می‌خواهم ان شاء الله کم‌کم آماده بشوید برای آنچه که درباره‌ی قیامت و معاد می‌خواهم صحبت کنم، ان شاء الله گوش بدهید آن کسی که «کَلِمَةُ اللَّهِ خَاصُّ الْخَاصِّ» است که حضرت عیسیٰ انبیاء کُلَّشان حتّی حضرت ابراهیم و هیچ یک از صالحین، هیچ یک از اولیاء خدا به آن مقام نمی‌رسند؛ این «کَلِمَةُ اللَّهِ خَاصُّ الْخَاصِّ» است که هر چه باید خدای تعالی در کره زمین نه، در تمام ماسوی الله از علم

قرار بدهد به این‌ها داده از قدرت انجام بدهد، به این‌ها
عنایت کرده، منتها فرق همین است که او ازلی است او
نامحدود است و این‌ها در همین محدوده عالم خلقت
قدرت و علم دارند. و این کم نیست و برای ما هم فرقی
نمی‌کند. لذا «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ
الْمُؤْمِنُونَ»^{۱۸}

حالا متوجّه مقام امام عصر شدید روز جمعه است دعای ندبه
خواندیم، هی می‌گویید: «أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ

۱۸ - سوره توبه، آیه ۱۰۵.

السَّمَاءِ»^{۱۹} معنای این جمله را امروز شاید با این سه کلمه‌ای که ترجمه کردم و من خودم واقعاً در مقابل حقایق مثل یک بچه شیرخواری هستم که هیچ نمی‌فهمم ولی خوب چه کنم دیگر حالا این منبر پیغمبر و این محافل پر نور شماها به دست افرادی مثل من افتاده‌است. آیا می‌شود آقا بیاید با شما صحبت کند، «کلمه‌الله الاعظم»، «کَلِمَةُ اللَّهِ خَاصُ الْخَاصِ» آن کلمه الهی که در قرآن خدای تعالی فرموده: که اگر تمام دریاها مرکب بشود، این صریح قرآن است اگر تمام درخت‌ها قلم بشود، اگر هفت برابر این دریا، دریا اضافه کنند، «لَنْفَدَ

۱۹ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶.

الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي»^{۲۰} قبل از اینکه کلمات خدا تمام بشود، کلمات خدا و ائمه اطهار علیهم السّلام، فضائل شان تمام بشود، دریاها تمام می شوند، حالا می دانید اسم چه کسی را می برید وقتی می گوید: «یا صاحب الزمان» می دانید چقدر لیاقت پیدا کرده اید که اسم یک چنین موجودی به شما اجازه داده شده که به او عرض ارادت کنی و روز جمعه خودتان را میهمان آقا بدانید، «مَوْلای اَنَا مَوْلَاک ... هَذَا یَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ یَوْمُکَ الْمُتَوَقَّعِ فِیهِ ظُهُورُکَ»^{۲۱} آقا جان! امروز ما توقّع داریم، اگر بگویید شما لیافت دارید همه مان

۲۰ - سوره کهف، آیه ۱۰۹.

۲۱ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۵.

می‌گویم: نه، یک وقتی من بچه بودم، استادم به من، گفتم: چرا من خدمت آقا نمی‌رسم، حتی آنقدر بچه بودم که فکر می‌کردم خدمت امام‌زمان رسیدن یعنی خدمت بدنشان باید برسم، این را می‌پرسیدم، ایشان به من گفتند که تو هنوز بچه‌ای، گفتم: اگر به لیاقت ما باشد که سلمان هم لیاقت ندارد خدمت امام‌زمان برسد، - حالا این حرف من نمی‌دانم چطور گفتم - اگر به آقای آن‌ها باشد به یک سنگی هم ممکن است این لیاقت را بدهند. ایشان بلند شد لب‌های من را بوسید گفت: بارک الله! حالا آقا این حرف را ما از بچگی گفتیم وقتی گفتیم که استادم به ما گفت: تو بچه‌ای، حالا هم

بچه‌ایم، حالا هم نمی‌فهمیم شما یعنی چه، ما یعنی چه؟ ولی
به لطف‌تان، به کرم‌تان، به محبت‌تان، به رحمانیت و رحیمیتان
عنایتی کنید، «وَ أَنَا فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ فَأَضِفْنِي وَ أَجِرْنِي يَا
مَوْلَايَ وَ أَنْتَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ
الْإِجَارَةِ»^{۲۲}

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» ایام اربعین اباعبدالله الحسین
علیه‌السلام است، امیدواریم خدای تعالی ما را از عزاداران
أبی عبد الله الحسین علیه‌السلام در این دو ماهی که عزاداری

۲۲ - مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان در روز جمعه.

کردیم قرارمان بدهد و همه مان را از یاران حجة بن الحسن قرار دهد.

«نسئلك اللهم و ندعوك باعظم اسمائك و بمولانا صاحب الزمان يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله، يا رحمن يا رحيم يا غياث المستغثين، عجل لوليک الفرج، عجل لمولانا الفرج» خدایا فرج امام ما، امام عزیز ما را الساعه برسان، همه ی ما را لایق محضرش قرار بده، پروردگارا همه ی ما را لایق شنیدن صدای مبارکش قرار بده، چشم های همه ی ما را لایق زیارت بدن مقدّسش قرار بده، پروردگارا ایمان کامل به ما مرحمت بفرما، توفیق تزکیه

نفس به ما عنایت بفرما، همه ما را از اولیاء خودت قرارمان
بده، پررودگارا به آبروی ولی عصر ارواحنا فداه قسمت می دهیم
گرفتاری های شیعه را در کره زمین بالاخص شیعیان عراق را
برطرف بفرما، خدایا زیارت خانه ات، زیارت قبور ائمه ی بقیع
و رسول اکرم صلی الله علیه وآله و زیارت ائمه ی عراق را همین
امسال نصیب همه مان بفرما، از جمیع آفات و بلیات همه ما
را حفظ بفرما، امواتمان را غریق رحمت بفرما.